

---

# مرددها جوان می مانند

---

آنا زگرس

مترجم  
علی اصغر حداد



نشر ماهی

تهران

۱۳۹۸

## روزنه‌ای به زندگی و آثار آنا زگرس

در نوزدهم نوامبر ۱۹۰۰، در دامان خانواده‌ای فرهنگ‌دوست، دختری به نام نتتی رایلینگ<sup>۱</sup> چشم به جهان گشود که بعدها با نام آنا زگرس یکی از پرآوازه‌ترین نویسندگان قرن بیستم آلمان شد. نتتی رایلینگ تنها فرزند خانواده‌ی خود بود و دوران کودکی‌اش بیش‌تر در انزوا گذشت.

«در کودکی، پیش از آن‌که به دبستان بروم، و نیز در سال نخست دبستان، اغلب بیمار بودم. با این‌همه نسبتاً زود خواندن و نوشتن را فراگرفتم. سپس، به‌ویژه از آن رو که تنها بودم و می‌خواستم برای خود دنیایی بیافرینم، داستان‌های کوچکی می‌ساختم و آن داستان‌ها را برای خود بازگو می‌کردم. گاهی هم یکی دو سطر می‌نوشتم...»

نتتی با جهان بیرون از چارچوب زندگی خانوادگی از طریق هنر و ادبیات، قصه و افسانه، پیوند برقرار کرد. در سال‌های دبستان، آثار کلاسیک‌های آلمان را شناخت و از آن میان به‌ویژه شیفته‌ی شیلر<sup>۲</sup> شد. در این زمان، تئاتر در نظر او تجلی «واقعیتی از نوع دیگر» بود. چنین می‌نماید که این واقعیت متفاوت، این کهکشان پررنگ و یو، در نظر او با پهنه‌ای بس فراتر از خلوت زندگی یکنواخت بورژوازی ارتباط داشت و زمینه‌ی اصلی تجربه‌های او را در عرصه‌ی زندگی رقم زد. او هم همچون بسیاری از جوانان پرورش‌یافته در دامان خانواده‌های بورژوازی – از توماس مان<sup>۳</sup> گرفته تا فرانتس کافکا<sup>۴</sup> و یوهانس بشر<sup>۵</sup> – نخست هنر را جایگزینی برای تجربه‌ی مستقیم

1. Netty Reilling    2. Friedrich Schiller    3. Thomas Mann    4. Franz Kafka  
5. Johannes Bescher

می‌انگاشت و از آن به مثابه‌ی گریزگاهی سود می‌جست که می‌توانست چیزی را به او عرضه کند که محیط پیرامونش از او دریغ می‌کرد.

نتی رابلینگ کودکی و دوران دبستان را در زادگاه خویش، در سرزمین راین، گذراند و هر روز با حسرت به آب‌های رودخانه‌ی راین نگریست که «به‌زودی در هلند به دریا می‌ریخت». آن بخش از سرزمین راین را که نتوانست در آن می‌زیست، به گفته‌ی خودش، هم از لحاظ جغرافیایی و هم از لحاظ فرهنگی «ساحل چپ راین» می‌خواندند. به‌یقین می‌توان گفت مناظر طبیعی این ناحیه به همراه ادبیات مردمی، به‌ویژه افسانه‌های محلی، در پرورش استعداد ادبی آنا زگرس نقش عمده‌ای داشته است. این بانوی نویسنده، بعدها، به‌ویژه در دوران مهاجرت، چه بسیار از این ناحیه یاد می‌کند و همگام با قهرمانان آثار خویش به این سرزمین بازمی‌گردد تا تجربیات نوجوانی را در آثار دوران بلوغ ادبی خویش منعکس سازد.

آنا زگرس دوران دبیرستان را در زادگاه خود، شهر ماینتس<sup>۱</sup>، به پایان برد و در پی انقلاب ماه نوامبر، پس از آن‌که پنجمین اشغال زادگاهش را توسط فرانسوی‌ها به چشم دید، در سال ۱۹۱۹ ماینتس را ترک کرد تا در هایدلبرگ به دانشگاه برود. رشته‌ی تحصیلی او تاریخ هنر و زبان و فرهنگ چین بود.

در سال‌های آموزش او در دانشگاه، اروپا دوران پرتب‌وتابی را می‌گذراند. در پی جنگ جهانی اول و فروپاشی دولت‌های کهن، این قاره‌ی همیشه در جنب و جوش با بحران اقتصادی-اجتماعی بزرگی دست به گریبان بود. در آلمان، جمهوری نوپای وایمار، از سنگینی عواقب جنگی خانمان‌سوز شانه‌های خمیده‌ای داشت و در گیر و دار «دیروز» و «فردا» جوانی خویش را به‌تردید می‌گذراند. در چنین هنگامه‌ای، آنا زگرس به برخی محافل دانشجویی راه یافت که در نشست‌های خود درباره‌ی جنگ، انقلاب و هنر اکسپرسیونیسم بحث و گفت‌وگو می‌کردند.

با این‌همه، آنا زگرس جهان‌بینی خود را بیش‌تر از راه ادبیات به دست آورد تا از راه مطالعه‌ی آثار نظری. از میان نویسندگان روس، داستایفسکی در شکل‌گیری آگاهی اجتماعی او نقش عمده‌ای داشت.

پس از جنگ جهانی اول، آثار داستایفسکی در چشم روشنفکران پیشرو اروپا بیش‌تر یک سند اعتقادی بود تا یک پدیده‌ی ادبی. جوانان اروپا در چهره‌ی این مرد - نیمه قدیس، نیمه تبهکار - در دوگانگی ژرفی که قهرمانان آثارش در آن دست و پا می‌زنند، در کینه‌جویی‌های مرگبار آن‌ها از یک‌سو و اشتیاق آتشینشان به همدلی و تفاهم از سوی دیگر - آشفته‌حالی و بی‌پناهی خود را می‌دیدند و بر آن آگاه می‌شدند. پیام مذهبی داستایفسکی برای بسیاری از جوانان آن روز اروپا روزنه‌ی امید بود به سوی آغازی تازه. اما آنچه داستایفسکی را در چشم آنا زگرس بزرگ می‌کند، این است که او «از ژرفای واقعیتی غمبار، از عمق جان انسان‌هایی بی‌نام و نشان، پنهان‌ترین درام‌های واقعی را آشکار می‌سازد».

آنا زگرس در سال ۱۹۲۴ با نگارش رساله‌ی دکترای درباره‌ی آثار رمبراند، نقاش هلندی، تحصیلات دانشگاهی خود را به پایان برد و آموزش تخصصی را رها کرد تا به کار نویسندگی روی آورد. نخستین اثر او، داستان کوتاهی به نام گروپچ<sup>۱</sup>، در سال ۱۹۲۷ انتشار یافت. هرچند از تأثیر مستقیم فرانتس کافکا بر نخستین اثر آنا زگرس نمی‌تواند سخنی در میان باشد، اما شخصیت‌های این اثر به‌نوعی با قهرمانان کافکا شباهت دارند. این شباهت به‌ویژه در محیط زندان‌مانند بزرگ آن‌ها و در خودی‌انگیزی اخلاقی‌شان بازتاب می‌یابد.

در سال ۱۹۲۸، در برلین، کتاب نسبتاً کم‌حجمی منتشر شد با نام قیام ماهیگیران سن باربارا<sup>۲</sup>. نویسنده‌ی گمنام این کتاب زگرس نام داشت. مقصدان زبان به تحسین این اثر گشودند و همگی به‌ویژه در این نکته همراه بودند که این اثر، نثری زمخت و مردانه دارد. هانس هنی یان<sup>۳</sup> در همان سال نویسنده‌ی آن را نامزد دریافت جایزه‌ی کلايست<sup>۴</sup> کرد. چاپ بعدی کتاب نام کامل نویسنده را بر خود داشت: آنا زگرس. با به‌قدرت رسیدن هیتلر در سال ۱۹۳۳، آنا زگرس همچون بسیاری نویسندگان دیگر ناچار شد آلمان را ترک کند. تعداد هنرمندانی که در این زمان برای گریز از زندان، بازداشتگاه و زجر و شکنجه آلمان را ترک کردند به بیش از هزار تن می‌رسد. هرچند برای بیش‌تر این هنرمندان مهاجرت به معنی محرومیتی جانکاه از

1. Grubetsch 2. Abstand der Fischer von St. Barbara 3. Hans Henny Jahnn  
4. Kleist

1. Mainz